

سرشناسه: زیریاف، منا سادات، ۱۳۵۸.
 عنوان و نام پدیدآور: حیات جاودانه/ زیریاف مناسادات.
 مشخصات نشر: تهران: نشر تک، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۳۷-۲۸-۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: مرگ -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع: مرگ -- احادیث
 موضوع: مرگ -- جنبه‌های قرآنی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ح۹ن۴/۲۲/۲۲ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۳۱۹۲



TAKPublication

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۳۷-۲۸-۰

عنوان: حیات جاودانه

نویسنده: منا سادات زیریاف

ناشر: تک

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۸۳۶

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۵	پیش گفتار
۱۱	سرنوشت
۱۵	یادگاری
۱۹	آخرین سفارش
۲۵	آغاز سفر
۳۳	توشه
۴۵	بالین
۵۱	با پاکان
۵۵	جامه
۶۱	پنج تکبیر
۶۵	بدرقه
۷۱	منزل
۸	مزار
۹۱	دیدار یار
۹۵	منابع

پیش گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، حَتَّى لَا نُؤْمَرَ أَنْ نَتَمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ،
وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا،
وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ،
حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسَنَا الَّذِي نَأْتِسُ بِهِ،
فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا،
وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ،
يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَ مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ.»^۱

۱- منتخبی از دعای ۴۰ صحیفه سجادیه: وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَعِيَ إِلَيْهِ مَيِّتًا، أَوْ ذَكَرَ الْمَوْتَ.

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

«خدا یا بر محمد و خاندانش رحمت فرست، و ما را از آرزوهای دراز
برکنار دار، تا به امید به پایان رساندن ساعتی پس از ساعت دیگر
نمانیم، و مرگ را پیش چشمان ما قرار ده، و از اعمال شایسته
توشه‌ای برایمان قرار ده که با آن برای بازگشت به سوی تو شتاب
گیریم. تا مرگ برای ما آرامگاهی باشد که با آن انس بگیریم،
پس هر زمان که آن را بر ما وارد سازی و به سوی ما فرود آوری، ما را
از این دنیا، از کبخت ساز و آن را دری از درهای آموزش و کلیدی از
کلیدهای رحمت خود قرار ده،
ای ضامن مرد نیکوکاران، و ای مصلح کار تباهکاران.»



در سحرهای ماه مبارک رمضان، هرگاه که توفیق خواندن دعای
ابوحمزہ ثمالی^۲ نصیب می‌شد، این فرازا یکی از تکان‌دهنده‌ترین
بخش‌های آن را می‌دید:

«وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَ أُنْكِرُ إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَ أَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي
وَ أَيَّامِي تُخَابِلُنِي وَ قَدْ حَضَرَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنَحَةُ الْمَوْتِ فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟
أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي. أَبْكِي لِظُلْمَةِ نَفْسِي. أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي. أَبْكِي لِسُؤَالِ
مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِنِّي أَرَى دَجْرًا مِنْ نَفْسِي غُرِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى
ظَهْرِي، أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ غَرِيَّةً عَنْ شِمَالِي، إِذَا الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ
شَأْنِي.»

«و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی‌دانم بد چه در من نوشته، دچار گردم،
من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزنامه مرا
بفریبد، در حالی که مرگ، بال‌های خود را بر سرم گسترده، من را
گریه نکنم؟»

۲- دعایی است از امام زین العابدین (علیه السلام) که در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خوانند و
چون به نقل از ابوحمزہ ثمالی آمده است، به دعای ابوحمزہ ثمالی معروف شده است.

گریه می‌کنم برای جان دادنم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، گریه می‌کنم برای تنگی لحدم، گریه می‌کنم برای سؤال نکیر و منکر از من، گریه می‌کنم برای بیرون آمدنم از قبر، برهنه و خوار که بار سنگینم را به پشتم بار کرده، یک بار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ، و هریک از خلائق را در کاری غیر از کار خود ببینم.»

در ایامی که بدست‌ترین و تلخ‌ترین حادثه‌ی زندگی‌ام اتفاق افتاد و آن، از دست دادن پدر مهربان و عزیزم، تکیه‌گاه و پشت و پناهم، **حاج سید علی زری‌باف** بود، خود را نسبت به مسائل مردم به مرگ، بی‌اطلاع یافتم. لذا تصمیم گرفتم مجموعه‌ای در این رابطه و یاد او گردآوری کنم. پس این مختصر را با استفاده از تألیفات سید مجتبی بحرینی تنظیم کرده‌ام.

این نوشتار به دو بخش اصلی تالیف شده است:

- تذکر به حقیقت مرگ و مراحل آمادگی برای آن، و
- آمادگی برای این حقیقت و ادب‌رو به رویی با مراحل آن.



در این راستا از مادر بردبار و مهربانم که در مراحل تنظیم این کتاب
مشوق و هم‌گام با من بود و نیز از همسر و همراه زندگی‌ام که با
رهنمودهایش پیروای من نمود، بسیار سپاس‌گزارم و از خدای متان بایشان توفیق
روزافزون و سلامتی خواستارم.

هم‌چنین از حجه‌الادبم و والدین محترمین جناب آقای سید مجتبی بحرینی، به خاطر
تألیف مجموعه کتاب‌های بسیار ارزشمندشان با قلمی روان و داستان‌گونه، بسیار
قدردان هستم و از خداوند بابتان توفیق و سعادت مندی مسئلت دارم.

امید آن که با توجه به نکات ذکر شده در این کتاب، هر چه بیشتر یادآور راهی
باشیم که به تحقیق بیش روی همه‌ی ماسد را با استاده‌ای آموزش‌های پیشوایان
پاکمان، این راه‌هول‌ناک و دشوار را بر خود سهل و هموار سازیم.

التماس دعا

منا سادات زرباف